

## The Necessity of Justification by Government Officials: Correlation with Principles of Accountability and Transparency (Insights from the Governance of Imam 'Alī (p.h.))

Hossein Rabbani<sup>1</sup>, Mohsen Malek-Afzali<sup>2</sup>, Gholamhossein Masoud<sup>3</sup>

<sup>1</sup> PhD Student, Department of Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran. [hoorrab@gmail.com](mailto:hoorrab@gmail.com)

<sup>2</sup> Associate Professor, Department of Law, Al-Mustafa University, Qom, Iran (Corresponding author).  
[mohsenmalekafzali@yahoo.com](mailto:mohsenmalekafzali@yahoo.com)

<sup>3</sup> Associate Professor, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.  
[Dr.gh.masoud@gmail.com](mailto:Dr.gh.masoud@gmail.com)

### Abstract

The principle obligating government officials to provide justifications is a fundamental tenet of administrative law, mandating that any decision or action be substantiated and documented in accordance with the principle of legality, thereby informing the public of the rationale behind such decisions. This principle is intrinsically linked to public and administrative law, particularly the principles of transparency and accountability. This study aims to examine the application of this principle in the discourse and governance practices of Amīr al-Mu'minīn (p.h.) and its reflection in the conduct of Islamic rulers and officials, emphasizing the interdependence of these principles in fostering well-founded decision-making, especially when accompanied by clear reasoning. The central research question explores how examples of this obligation can be utilized in both public law and the governance teachings of Amīr al-Mu'minīn (p.h.) for societal administration, particularly in administrative decision-making. Findings from the governance of Imam 'Alī (a.s.), focusing on the aforementioned principles across various governmental matters, indicate that whenever he, in his capacity as a ruler, made decisions, issued commands, or appointed or dismissed officials—even in correspondences with governors or administrators—he articulated the criticisms of their decisions and elucidated the reasons for his opposition and censure. Adherence to this principle, which is often overlooked today, not only enhances the robustness of decisions and their acceptance by the public but also fosters public trust, prevents unilateral decision-making by officials, ensures the protection of citizens' rights—including the right to contest decisions lacking the aforementioned criteria—and grounds the obligations imposed on them in law and rational justification. It is evident that certain limitations, such as the safeguarding of military and security secrets, apply to this principle.

**Keywords:** Principle of Obligation, Decision-Making, Transparency, Accountability, Correlation, Right to Information, Government Officials, Imam 'Alī (p.h.).

---

Received: 2024-04-07 ; Received in revised form: 2024-05-14 ; Accepted: 2024-06-20 ; Published online: 2024-09-29

<https://doi.org/10.22034/sm.2025.2013260.2145>

© the authors

<http://sm.psas.ir>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



## تلازم اصل الزام به بیان دلایل توسط مقامات دولتی با اصول پاسخ‌گویی و شفافیت (رهیافت‌هایی از سیره حکومتی حضرت علی(ع))

حسین ربانی<sup>۱</sup>، محسن ملک‌افضلی<sup>۲</sup>، غلامحسین مسعود<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. hoorrab@gmail.com

<sup>۲</sup> دانشیار، گروه حقوق، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران (نویسنده مسئول). mohsenmalekafzali@yahoo.com

<sup>۳</sup> دانشیار، گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. Dr.gh.masoud@gmail.com

### چکیده

اصل الزام به بیان دلیل به عنوان یکی از اصول مهم حقوق اداری، مقامات دولتی را ملزم می‌کند تا هرگونه تصمیم یا اقدامی را با توجه به اصل قانونی بودن، مستدل و مستند نموده و مخاطبین خود را از دلایل اتخاذ آن تصمیم مطلع سازند. این اصل با اصول حقوق عمومی و اداری به ویژه با اصول شفافیت و پاسخگویی ارتباط تنگاتنگ دارد. در این راستا، هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی استفاده از این اصل در گفتار و مشیء حکومتی امیرالمؤمنین(ع) و بررسی آن در روش حاکمان و کارگزاران نظام اسلامی در رعایت تلازم بین این اصول است که موجب اتخاذ تصمیمات متقن می‌گردد؛ به خصوص وقتی که با بیان دلیل تصمیم همراه باشد. سوال اصلی پژوهش این است که چگونه می‌توان از نمونه‌های این التزام، هم در حقوق عمومی و هم در آموزه‌های حکومتی امیرالمؤمنین(ع) در امر اداره جامعه و بخصوص تصمیم‌گیری‌های اداری استفاده کرد. نتیجه رهیافت‌هایی از سیره حکومتی حضرت علی(ع) با تأکید بر اصول فوق، در موضوعات مختلف حکومتی نشان می‌دهد که هر جا که ایشان در مقام حاکم و کارگزار جامعه، تصمیمی اتخاذ یا فرمانی صادر کرده، یا عزل و نصبی انجام داده‌اند و حتی در دستوراتی که به صورت نامه برای استانداران یا کارگزاران خود ارسال می‌کند، ضمن برشمردن ایرادهای وارده بر تصمیم آن‌ها، دلیل مخالفت و سرزنش آنان را نیز بیان می‌فرماید. بهره‌گیری از این اصل که امروزه کمتر به آن توجه و پرداخته می‌شود، علاوه بر اتقان تصمیمات و پذیرش اینگونه تصمیمات توسط مخاطبین، اعتماد عمومی مردم، جلوگیری از یک‌جانبه‌گرایی کارگزاران در تصمیم‌گیری، رعایت حقوق مخاطبین از جمله حق اعتراض به تصمیمات فاقد شرایط فوق و ابتناء تکالیف ایجاد شده را به قانون و دلایل منطقی به همراه دارد. بدیهی است که محدودیت‌هایی نیز مثل حفظ اسرار نظامی و امنیتی برای این اصل وجود دارد.

**واژه‌های کلیدی:** اصل الزام، تصمیم، شفافیت، پاسخگویی، تلازم، حق اطلاع، مقامات دولتی، حضرت علی(ع).

**استناد به این مقاله:** ملک‌افضلی، محسن؛ ربانی، حسین (۱۴۰۳). تلازم اصل الزام به بیان دلایل توسط مقامات دولتی با اصول پاسخ‌گویی و شفافیت (رهیافت‌هایی از سیره حکومتی حضرت علی(ع)). *سیاست متعالیه*، ۱۲(۳): ۹۵-۱۱۴. <https://doi.org/10.22034/sm.2025.2013260.2145>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۹؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۲/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۳۱؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۰۸

© the authors

<http://sm.psas.ir>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



## ۱. مقدمه

رویکرد جدید به رابطه بین قدرت حاکمان و مردم، موضوع اصول حاکم بر اعمال اداری مقامات دولتی را از اهمیت خاصی برخوردار کرده است. به طوری که کارگزاران حکومتی در عین داشتن قدرت، در اتخاذ هر تصمیمی آزادی مطلق ندارند و بر تصمیم‌های آنان، اصولی حاکم است. یکی از این اصول، «اصل الزام به بیان دلایل تصمیم توسط مقامات دولتی» است که بر مبنای آن، اتخاذ هر تصمیم توسط کارگزاران برای مردم و شهروندان، باید مبتنی بر دلیل قانونی و منطقی باشد. این اصل، ارتباط مهمی با اصول پاسخگویی و شفافیت دارد که در این تحقیق، به تلازم بین این اصول با اصل التزام به بیان دلیل، پرداخته شده و تلاش شده است با دقت در سیره و متن نامه‌ها و خطبه‌های حضرت علی (ع) در بخش‌های مختلف، این تلازم بیان شود.

مسئله اصلی تحقیق این است که اولاً، سابقه اصل مذکور در آموزه‌های سیاسی حکومت و سیره رفتاری حضرت علی (ع) کدام است؟ ثانیاً، تأثیر این آموزه‌ها در بیان دلیل برای هر تصمیم و اقدامی، برای کارگزاران عصر خود و مقامات فعلی نظام اسلامی چیست؟

فرضیه اصلی، بر این اصل استوار است که پیروی از این الگو با توجه به جامع و کامل بودن نمونه‌های رفتاری و گفتاری حضرت علی (ع)، می‌تواند به اتخاذ تصمیم متقن توسط مقامات دولتی کمک کرده و عدم تمکین به تصمیمات دولتی را در جامعه کاهش دهد. فرضیه فرعی این است که، برخی از تصمیمات مقامات دولتی، هر چند مبتنی بر اصل حاکمیت قانون باشد؛ اما در بیان دلایل آن، دچار ضعف و فاقد شفافیت لازم است. نوآوری تحقیق، آن است که تاکنون به طور جامع و کامل به تلازم این سه اصل پرداخته نشده است. در برخی از تحقیقاتی که در این موضوع انجام شده، گاهی فقط به اصل موضوع اصل الزام به بیان دلیل تصمیم از منظر حقوق عمومی پرداخته؛ ولی متعرض این موضوع در نهج البلاغه و سیره حکومتی معصوم (ع) نشده‌اند و برخی نیز فقط به ارتباط بین این اصل با اصل حاکمیت قانون پرداخته‌اند، ولی این موضوع را از منظر نهج البلاغه بررسی نکرده‌اند.

پژوهش رضایی‌زاده و عطریان (۱۳۹۳)، نشان داد که اصل الزام به ارائه دلایل تصمیمات اداری در اتحادیه اروپا، یکی از شاخصه‌های اداره خوب بوده و مقامات اداری، مکلف به بیان ادله و مبنای تصمیمات خود هستند و در نظام حقوقی ایران نیز آرای قضایی دیوان عدالت اداری به صورت موردی، مقامات اداری را به بیان دلایل تصمیمات خویش مکلف نموده‌اند.

پژوهش رضایی و خسروی (۱۳۹۷)، فقط به تلازم بین این اصل و حاکمیت قانون پرداخته و معتقد است ارائه دلایل، لازمه برداشت رویه‌ای از حاکمیت قانون است؛ زیرا مستلزم آن است که اقدامات دولت به روشی

پیش‌بینی‌پذیر و منسجم انجام شده و با دلایل موجه شود.

نتایج پژوهش حبیب‌نژاد و عامری (۱۳۹۵) نیز حاکی از آن است که حضرت علی (ع)، شفافیت در حکومت را امری ضروری تلقی می‌کرد و دیدگاه حکومتی و شیوه عملی خویش را با مردم و همه مخاطبان در میان می‌گذاشت.

پژوهش طاهری، ارسطا و ملک افضل‌ی (۱۳۹۸)، نشان داد که در اسلام، علاوه بر کارکردهای مادی شفافیت، مثل تسهیل نظارت و پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری، به مسائلی نظیر رفع سوءظن نسبت به حکومت و کسب اعتماد عمومی و ایجاد الفت اسلامی در جامعه نیز تأکید شده است.

ضرورت و فواید عملی و نظری تحقیق، آن است که دریافت صحیح از فرامین رفتار حاکم عادل اسلامی، کارگزاران را موظف می‌کند با بیان دلیل هر تصمیم بر اتقان آن افزوده و با اجرای این اصل، شفافیت، پاسخ‌گویی و رعایت حق اعتراض به تصمیمات دولتی و موارد دیگری از این قبیل را به رسمیت بشناسند. این امر، موجب پذیرش و همراهی بیشتر مردم در اجرای تصمیمات می‌شود.

## ۲. بیان مفاهیم

### ۲-۱. اصل الزام به بیان دلیل<sup>۱</sup>

امروزه اصول حاکم بر اعمال اداری، به مفهوم تنظیم رابطه بین حکومت و مردم اشاره دارد. یکی از این اصول، «اصل الزام به بیان دلایل تصمیم توسط مقامات دولتی» است. مطابق این اصل، هر شخصی حق دارد از دلایل اتخاذ تصمیم توسط مقام عمومی و اداری، اطلاع پیدا کند (هداوند و مشهدی، ۱۳۹۵: ص ۲۰۳). با تکیه بر این اصل، می‌توان میزان تعهد و پایبندی نظام سیاسی و اداری را به قانون مشخص کرد. هر تصمیمی که توسط مقامات دولتی اتخاذ می‌شود، باید آنان را ملزم به توجیه علنی تصمیمات خود نماید (رضایی و خسروی، ۱۳۹۷: ص ۶۲)؛ به گونه‌ای که مبنا و دلیل تصمیم، به روشنی بیان شود و معلوم باشد که در اتخاذ تصمیم، چه توجیه قانونی و عقلانی وجود دارد.

### ۲-۲. تصمیم<sup>۲</sup>

از مجموع نظرات صاحب‌نظران در حقوق اداری، می‌توان نتیجه گرفت که تصمیم، عمل یک‌جانبه اداری

1. The principle of the obligation to state the reason

2. Decision

است؛ که می‌تواند حق‌ها و تکلیف‌هایی را برای مخاطبان به وجود آورد. در تصمیمات اداری، چند اصل و مشخصه وجود دارد: اول، مسئول تأمین نظم عمومی و ارائه خدمات همگانی، مقام اداری است و تصمیمات اداری بر فرض اجرا و رعایت این هدف وضع می‌شوند (اسدی و اله یاری، ۱۳۹۵: ص ۱۰۸). دوم، تصمیم اداری، یک جانبه بوده و تنها اراده و قصد انشای یک طرف در وضع این تصمیم، نقش دارد و برای اراده طرف دیگر، نقشی قائل نیست. سوم، به استعمال قانونی قوه قهریه توسط مقامات اداری جهت وادار نمودن اشخاص به تبعیت از مقررات به دلیل مقتضیات نظم عمومی، الزام اداری گفته می‌شود. چهارم، قابل تفویض بودن تصمیمات اداری به دیگران به صورت کتبی، صریح و جزئی و در برخی اختیارات است (مشهدی، ۱۳۹۷: ص ۱۰۵، ۱۷۳).

## ۲-۳. اصل پاسخگویی<sup>۱</sup>

در فرهنگ لغت آکسفورد<sup>۲</sup> پاسخگویی، مسئول بودن در برابر تصمیمات و اعمال، تعریف شده؛ به گونه‌ای که در مقابل سؤال دیگران، انتظار توضیح و دلیل آن تصمیم وجود دارد (جلالی و اژئر، ۱۳۹۵: ص ۲۳). پاسخگویی را می‌توان وظیفه‌ای دانست که بر ارائه گزارش قانع‌کننده از اقدامات انجام‌شده در قبال یک مسئولیت، ایجاد می‌گردد. منشأ این مسئولیت، یا به موجب قانون است و یا به دلیل حکم اخلاق، عقل، عرف یا شریعت (افشار و بهادری جهرمی، ۱۳۹۵: ص ۵). مقامات و سازمان‌های حکومتی، هر اندازه که از اختیارات قانونی و سیاسی بیشتری برخوردار باشند، به همان میزان از نظر حقوقی و سیاسی، مسئول شناخته می‌شوند. یکی از نمودهای پاسخگویی، اصل الزام به بیان دلایل تصمیم است. به خصوص وقتی که اقدام یا تصمیمی ممکن است به منافع یا حقوق شخصی یا گروهی آسیب بزند. اگر مقامات دولتی به مستدل ساختن تصمیم ملزم شوند؛ علاوه بر آنکه کیفیت تصمیم‌گیری ارتقاء می‌یابد، فرصت بررسی میزان درستی و عقلانیت تصمیم نیز فراهم می‌شود. اهمیت پاسخگویی را می‌توان از وجوه مختلف مورد بررسی قرار داد. از جمله، پاسخگویی به عنوان «استاندارد کیفی» اهمیت دارد؛ چون به مقامات و سازمان‌های بخش عمومی مشروعیت می‌دهد. دیگر اینکه، «تخصیص قدرت» است که سبب می‌شود آنها نسبت به احتیاجات بیان شده از طرف مردم، بیشتر احساس مسئولیت کنند و نمی‌توانند از عواقب و نتایج بدی که از تصمیماتشان پدید می‌آید، شانه خالی کنند (جلالی و اژئر، ۱۳۹۵: ص ۲۶).

1. The principle of accountability

2. Oxford Dictionary

## ۲-۴. اصل شفافیت<sup>۱</sup>

در مفهوم لغوی، شفاف به معنای چیزی است که مانند بلور و شیشه است و از پشت آن، اشیاء دیگر دیده می‌شود (عمید، ۱۳۶۲: ص ۶۷۴). در صورت وجود شفافیت، افراد باید توضیح دهند که فرآیند تصمیم‌گیری آنها چگونه است و آنچه انجام می‌شود براساس چه استانداردهایی تصمیم‌گیری شده است (ضمیری و نصیری، ۱۳۸۹: ص ۱۸۵). اگر کلیه مراحل و مستندات دادرسی‌های اداری، روشن، مشخص و شفاف باشد و مخاطبان، امکان دسترسی به اطلاعات و اسناد متناظر با آنها را داشته باشند؛ یعنی شفافیت وجود دارد (سبزی و جلالی، ۱۳۹۶: ص ۱۲). عدم شفافیت تصمیم‌گیری، موجب ابهام بوده، انگیزه مشارکت در اجرای آن را کاهش می‌دهد و موجبات پاسخگویی مقامات دولتی را نیز برای شهروندان فراهم نمی‌آورد. علاوه بر سازمان بین‌المللی شفافیت<sup>۲</sup>، این موضوع در سند امنیت قضایی ایران نیز موجب افزایش اعتبار نظام حقوقی و انسجام تصمیمات دانسته شده است.<sup>۳</sup> در قوانین موضوعه نیز، به صراحت یا به طور ضمنی به این اصل استناد شده و یا از مضمون قانون، می‌توان این اصل را برداشت کرد<sup>۴</sup> (فرزاد مهر، ۱۳۹۴: ص ۵). ارائه اطلاعات توسط دولت به شهروندان، تکلیف دولت است؛ زیرا اداره جامعه، نیازمند مشارکت و اقبال عمومی جامعه می‌باشد. لذا، دولت‌ها باید در این راستا اطلاعات را به گونه‌ای در اختیار شهروندان قرار دهند که موجب ایجاد شفافیت شود و از سوی دیگر، دولت را پاسخگو معرفی نماید (جلالی و اژتر، ۱۳۹۵: ص ۳۳). اصل شفافیت را در دین اسلام و سنت نبوی (ص) و سیره ائمه اطهار (ع)، به عنوان اصل عدم احتجاب شناخته‌اند (طاهری و ارسطا، ۱۳۹۵: ص ۴-۵). احتجاب به معنای حاجب داشتن، دور بودن و فاصله گرفتن از مردم، نداشتن ارتباط مستقیم با مردم و در نتیجه، بی‌اطلاع بودن یا کم‌اطلاع بودن از مشکلات ایشان است (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۴: ج ۳، ص ۴۷۴). مبانی این اصل را از دیدگاه اسلام، اقتضای ادله وجوب شورا و مشورت، حق آگاهی

### 1. The principle of transparenc

۲. این سازمان شفافیت را اصلی می‌داند که افراد بتوانند نه فقط از اصل تصمیم‌گیری که زندگی آن‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد، بلکه از موضوعات مختلف و شیوه‌های تصمیم‌گیری آن مطلع شوند.
۳. سند امنیت، ریاست قوه قضائیه، مصوب ۱۳۹۹/۷/۲۱، روزنامه رسمی شماره ۹۰۰۰/۱۱۹۹۲۸/۱۰۰ اصل شفافیت، تضمین کیفیت قانون و آراء قضایی از نظر قابلیت فهم و وضوح آن برای همه شهروندان، با هدف افزایش اعتبار نظام حقوقی است. براساس این اصل، تصمیمات مراجع قضایی، شبه قضایی و اداری، باید عاری از ابهام بوده و دارای انسجام باشد.
۴. از جمله ماده ۲۷ قانون مدیریت خدمات کشوری در کنار اصل برابری در بهره‌مندی از خدمات عمومی، دو اصل «مستند و مستدل بودن تصمیم‌گیری» و «اصل شفافیت» را نیز مورد توجه قرار داده است.

مردم از امور (حق دانستن)، امر به معروف و نهی از منکر، امانت بودن حکومت، نصیحت ائمه مسلمین و قاعده حفظ نظام دانسته‌اند (طاهری و ارسطا، ۱۳۹۵: ص ۱۴۷). از دیدگاه نظریه حکمرانی خوب نیز، مبانی اصل شفافیت را دموکراسی، اصل حاکمیت قانون، حق آگاهی مردم، حق آزادی بیان و حق مشارکت در تعیین سرنوشت سیاسی بیان کرده‌اند (طاهری و ارسطا، ۱۳۹۵: ص ۱۵-۱۸).

## ۲-۵. حق اطلاع<sup>۱</sup>

مقامات دولتی، نماینده شهروندان هستند و از طرف آنان تصمیم می‌گیرند. بدیهی است که باید مصلحت و منفعت شهروندان را لحاظ کنند و سهمی برای آنان در اداره جامعه قائل شوند. اعمال حاکمان نباید از مردم پنهان باشد. براساس حق دسترسی به اطلاعات اداری، مردم حق دارند براساس اطلاعاتی که دستگاه‌های اجرایی در دسترس قرار می‌دهند، برنامه‌های خود را تنظیم کنند (مشهدی، ۱۳۹۷: ص ۱۹۵). در اسناد بین‌المللی، نهاد ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، اصول نه‌گانه‌ای را در زمینه افشای اطلاعات ارائه کرده است؛ که منجر به تحقق آزادی بیان و البته حفظ مستثنیات مربوطه می‌شود. اصل اول آن، افشای حداکثر است؛ یعنی تمام اطلاعاتی که در اختیار یک نهاد دولتی است باید در معرض افشاء قرار داشته باشد. اصل دوم، الزام به انتشار است؛ یعنی نهادهای دولتی همواره باید ملزم به انتشار اطلاعات کلیدی باشند<sup>۲</sup> (غمامی و همکاران، ۱۳۹۶: ص ۲۷). قوانین داخلی، حق دسترسی به اطلاعات عمومی را در صورتی که قانون منع نکرده باشد، حق هر شخص ایرانی می‌داند.<sup>۳</sup> همچنین مؤسسات عمومی را مکلف کرده است که اطلاعات موضوع این قانون را در دسترس مردم قرار دهند.<sup>۴</sup> منشأ حق دسترسی به اطلاعات، حق بر دانستن یا حق اطلاع است. برای تحقق اهداف مهمی چون مبارزه با فساد، کارآمدی نظام اداری و پاسخگویی و ارتقای اعتماد عمومی به حکومت، در کشورهای توسعه‌یافته، پروژه سیاسی بزرگی به نام شفافیت، تعریف و اجرا شده است؛ که عناصر متعددی نظیر اعلام دارایی مقامات، تحدید حریم خصوصی مقامات عمومی، گسترش

### 1. Right to information

۲. اصول اول و دوم، معرف هدف در این تحقیق است.

۳. ماده ۲ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات سال ۱۳۸۸: «هر شخص ایرانی حق دسترسی به اطلاعات عمومی را دارد، مگر آنکه قانون منع کرده باشد. استفاده از اطلاعات عمومی یا انتشار آنها تابع قوانین و مقررات مربوط خواهد بود».

۴. ماده ۵ همین قانون: «مؤسسات عمومی مکلفند اطلاعات موضوع این قانون را در حداقل زمان ممکن و بدون تبعیض در دسترسی مردم قرار دهند». تبصره این ماده نیز مقرر می‌دارد: «اطلاعاتی که متضمن حق و تکلیف برای مردم است، باید علاوه بر موارد قانونی موجود، از طریق انتشار و اعلان عمومی و رسانه‌های همگانی به آگاهی مردم برسد».

حمایت‌ها از آزادی بیان و معلوم شدن وضعیت‌های تعارض منافع در انجام وظایف قانونی را در درون خود دارد. حق دسترسی به اطلاعات، یکی از اجزای مهم این پروژه است (انصاری، ۱۳۹۷: ص ۱۴).

### ۲-۵-۱. محدودیت‌های حق اطلاع

هرچند که حق اطلاع اهمیت دارد و بر توسعه آن تأکید می‌شود؛ اما موجب نمی‌شود تا برخی محدودیت‌ها بر آن اعمال نگردد. برخی از این محدودیت‌ها عبارتند از:

#### ۲-۵-۱-۱. اسرار حکومتی

محدودیت‌های اسرار حکومتی، در حوزه حقوق عمومی برگرفته از آیات و روایاتی است که به حفظ حرمت و آبروی اشخاص، توصیه دارند و موضوعاتی از قبیل اشاعه فحشا، فاش کردن اسرار نظامی و گسترش مطالبی که موجب اخلال به استقلال در آن منع شده در زمره این محدودیت‌ها قرار می‌گیرد (کردنژاد و قاسمی، ۱۳۹۹: ص ۱۸۱). اصل بیست‌وچهارم قانون اساسی محدودیت‌هایی را برای آزادی بیان در مطبوعات و نشریات آورده است.

#### ۲-۵-۱-۲. مبانی اسلام

مفهوم مبانی اسلام، اعم است از اصول اعتقادی و احکام عملی که از ضروریات دین می‌باشد.<sup>۱</sup> برخی دیگر، مبانی اسلام را از مسائل ضروری دینی اعم از مسائل اعتقادی (مانند توحید و معاد) و یا در فروع دین و احکام و قوانین اسلام شمرده و علاوه بر آن، در موضوعات مسائل اخلاقی و اجتماعی نیز دانسته‌اند؛ و منظور از «اخلال» را نیز هرکاری که سبب تضعیف مبانی فوق، یا ایجاد بدبینی و شک و تردید نسبت به آنها شود، می‌دانند.<sup>۲</sup>

#### ۲-۵-۱-۳. حقوق عمومی

حقوق عمومی علاوه بر مسائل مربوط به حکومت، با حقوق جامعه مانند نظم و امنیت عمومی و نیز حقوق اعضای آن جامعه نظیر حریم خصوصی به‌عنوان شهروند ارتباط دارد (ویژه، ۱۳۸۹: ص ۱۵۸-۱۵۹).

۱. مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی به هنگام وضع اصل ۲۴ نیز همین برداشت را نشان می‌دهد. گزارش کارگروه تنظیم این اصل و ملاحظات اعضای مجلس در بررسی متن پیشنهادی گروه بر این دلالت دارد و از مصادیقی چون مطالب مخالف عفت عمومی، توهین به شعائر دینی و آنچه که موجب گمراهی مردم می‌شود، نام می‌برند (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ۱۳۶۴: ص ۶۴۵).

در جای دیگر، حقوق عمومی را حقوق الزامی پذیرفته شده در اسلام و قانون اساسی برای فرد، جامعه و حکومت برشمرده‌اند که کلیت نظام اسلامی و آزادی‌های مصرّح در قانون اساسی، نظم اجتماعی، امنیت، شئون اخلاقی، حیثیت اشخاص حقیقی و حقوقی نیز از مصادیق بارز آن به‌شمار می‌آید<sup>۱</sup> (قطبی و بهادری جهرمی، ۱۳۹۵: ص ۵۹).

#### ۲-۵-۱-۴. استقلال و تمامیت ارضی کشور

استقلال در معنای لغوی به معنای بدون مداخله کسی کار خود را کردن (عمید، ۱۳۶۹: ص ۱۷۱) و در عرصه حاکمیت، عزم و اراده ملی برای ممانعت از مداخله خارجی‌ان در امور داخلی یک ملت معنا شده است. حاکمیت در بُعد خارجی خود، علاوه بر رقابت و همکاری با حاکمیت‌های دیگر، از اصل برابری حاکمیت به دفاع از منافع و هویت ملی حمایت می‌کند (مولایی، ۱۳۸۲: ص ۶۶). استقلال، عبارت است از حالت کشوری که زمامداری آن به‌هیچ‌وجه تابع زمامداری دیگر کشورها نباشد (هاشمی، ۱۳۹۹: ج ۱، ص ۱۹۲). بنابراین، باید استقلال، حاکمیت و وحدت ملی را نیز به‌عنوان محدودیت‌های حق اطلاع و آزادی بیان برشمرد؛ که در صورت هرگونه اتخاذ تصمیم، چنانچه اطلاع از آن، هرکدام را مورد خدشه قرار دهد، ایجاد محدودیت بر آن لازم می‌آید.

#### ۲-۵-۱-۵. اسرار نظامی

اسرار نظامی به دلیل رابطه مستقیم با حفظ امنیت، استقلال و حاکمیت ملی، می‌تواند از محدودیت‌های اطلاع‌رسانی باشد؛ زیرا خطر شکست در جنگ و سلطه دشمن را به همراه دارد. حضرت علی (ع) به فرماندهان لشکرش می‌فرماید: «آگاه باشید! حق شما بر من این است که جز اسرار جنگی، هیچ سری را از شما پنهان نسازم...»<sup>۲</sup> (نهج‌البلاغه، نامه ۵۰).

#### ۳. تلازم بین اصل بیان دلیل با اصل پاسخگویی

حکمرانی خوب دارای اصول مهمی همچون حاکمیت قانون، شفافیت، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی است. سندی از بانک جهانی با عنوان «آفریقای زیر صحرا، از بحران تا رشد پایدار» در سال ۱۹۸۹ میلادی،

۱. بند ۳ سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در حوزه مطبوعات که توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۱۳۸۰/۴/۱۲ تصویب شده است.

۲. «الا وان لکم عندی ان لا احتجز دونکم سرّاً الا فی حرب و لا اطوی دونکم امرّاً الا فی حکم»

حکمرانی خوب را به‌عنوان ارائه خدمات عمومی کارآمد، نظام قابل اعتماد و نظام اداری پاسخ‌گو تعریف کرده است (سلطان محمدی، ۱۳۹۸: ص ۶۱). در عالم حقوق که حق و تکلیف با هم آمده است، اشخاص حقوقی و مقامات دولتی باید پاسخگویی وظایف و اقدامات خود باشند. پاسخگویی مقامات از این جهت اهمیت پیدا می‌کند که، همراه با قدرت عمومی است و می‌تواند حقوق و آزادی‌های شهروندان را تحدید نماید. این اصل، زمانی تحقق پیدا می‌کند که ابزارهای لازم از جمله، ارائه دلایل و مستندات تصمیمات اداری را داشته باشد؛ به طوری که بتواند گویای زوایای مختلف عمل اداری بوده و به‌خوبی ضعف‌ها، غفلت‌ها و اشتباهات مقام تصمیم‌گیرنده را آشکار سازد.

#### ۴. تلازم بین اصل بیان دلیل با اصل شفافیت

این موضوع با بیان مهم‌ترین مؤلفه‌های اصل شفافیت بررسی می‌شود.

##### ۴-۱. آزادی اطلاعات و ارائه آن به مردم

هدف اصلی شفافیت آن است که اطلاعات به‌طور صحیح در دسترس عموم قرار گیرد. چنانچه تصمیم اداری و نحوه ایجاد آن، شفاف نبوده و دلایل آن برای مردم بیان نشود؛ دارای ابهام بوده، مشارکت در اجرای آن را در زمینه نظم عمومی و رفع نیازهای همگانی، کاهش می‌دهد. دسترسی به اطلاعات، علاوه بر شفافیت، موجبات پاسخگویی مقامات دولتی را نیز برای شهروندان فراهم می‌آورد. یکی از راه‌های عملی برای تحقق آرمان‌های شفافیت، تضمین آزادی اطلاعات برای شهروندان یعنی آزادی دسترسی افراد جامعه به اطلاعات موجود است (انصاری، ۱۳۸۷: ص ۲۰۶). در اندیشه امام علی (ع)، توجه به قاعده اصحار تکلیف مسئولان است. پنهان داشتن اطلاعات از مردم - به‌جز مواردی که از اسرار حکومت بوده و افشاء رموز و اسرار آن موجب وقوف دشمن و به‌ضرر مردم تمام شود - جایز نیست (حاجیان حسین‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۶: ص ۸۲).

در حقوق داخلی ایران، عبارت «بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از رسانه‌های گروهی و مطبوعات» در اصل سوم قانون اساسی<sup>۱</sup>، در حقیقت به دنبال آن است که با افزایش سطح آگاهی‌های عمومی، زمینه علم و اطلاع آنها را نسبت به حق اطلاع از تصمیمات دولت و آزادی اطلاعات، افزایش دهد.

۱. بند ۲، اصل ۳ قانون اساسی

## ۴-۲. نظارت

دومین مؤلفه تأثیرگذار در اصل شفافیت، نظارت در امر حکومتی است. فرآیندی برنامه‌ریزی شده که به موجب آن، مجموعه اطلاعات مربوط به عملکرد یک نظام، جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد؛ تا عملکردهای کارگزاران با اهداف، برنامه‌ها، قوانین و ضابطه‌های حاکم بر آن مجموعه تشخیص داده شود (رمضان‌پور نرگسی، ۱۳۸۷: ص ۱۵). نظارت و پاسخگویی، لازم و ملزوم یکدیگرند. هر جا که یکی از این دو باشد، دیگری هم قطعاً هست. به نظر می‌رسد حق اعمال نظارت، در همه ابعاد عملکرد مسئولین می‌تواند صورت گیرد. وقتی مردم در امور نظامی و جنگی، حق دارند بر عملکرد ولی خود نظارت کنند؛ به طریق اولی در دیگر امور حکومتی هم حق نظارت دارند. شخصی که در برابر دیگران وظایفی به عهده دارد، در برابر همان افراد ذینفع، مسئول است و باید وظایفش را به گونه‌ای انجام دهد که آنان بتوانند بر او نظارت کرده و در صورت عدم رضایت، او را مورد مؤاخذه قرار دهند (منتظر قائم، ۱۳۹۴: ص ۹۶). با توجه به مطالب فوق و مبانی آن، مشخص می‌شود که هرگاه نظارت‌ها و افکار عمومی جامعه نسبت به کارگزاران نظام بیشتر و دقیق‌تر باشد؛ به شفافیت در اتخاذ تصمیم و اقدامات آنان کمک کرده، و از راه نظارت بر تصمیم‌گیری‌ها و شفاف‌سازی، می‌توانند از انحراف آن بکاهند.

## ۵. رهیافت‌هایی از حکمرانی علوی (ع)

در ادامه مسئله پاسخگویی و شفافیت در مورد تصمیمات حکومت و دلایل آن توسط امیرالمؤمنین (ع) در مؤلفه‌های مختلف بررسی می‌شود.

### ۵-۱. رهیافت اول: پاسخگویی و بیان دلیل

#### ۵-۱-۱. مسئله عذرخواهی مسئولان از مردم

از نظر امام علی (ع) مردم این حق را دارند که در صورت مشاهده رفتار خلاف انتظار از سوی مسئولان، نسبت به آنها بدگمان شوند. مسئولان باید پاسخ‌گو باشند و آنان را در جریان کارها و تصمیم‌هایشان قرار دهند. بر همین اساس، امام به مالک اشتر فرموده است مدیریتی شفاف داشته باشد.<sup>۱</sup> ایشان خود نیز نسبت به شبهاتی که درباره چگونگی رفتار و عملکرد شخص وی مطرح می‌شد، پاسخ‌گو بوده و دلایل منطقی خود

۱. «اگر رعیت بر تو گمان ستم برد، عذر خود را آشکارا با آنان در میان گذار و با این کار آنان را از بدگمانی بیرون آور» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

را بیان می‌فرمودند.<sup>۱</sup> حضرت، طی دستوری به مالک اشتر با این عنوان که «باید بدانی هر عیبی در منشیان مخصوص تو یافت شود که تو از آن بی‌خبر بمانی، مسئول خواهی بود»، اشاره می‌کند که تعیین مسئول برای هر کار، از تو سلب مسئولیت نمی‌کند و تو نیز با آنها مسئولیت مشترک داری. امروزه نیز اگر مدیری در دستگاه متبوع خود مرتکب خلافی شود، وزیر مربوطه را احضار می‌کنند و از او بازخواست می‌نمایند (طباطبایی، شیرخانی و مطهرنیا، ۱۴۰۰: ص ۲۲).

### ۵-۱-۲. مسئله پاسخگویی به انتقاد مردم از کارگزاران

علی (ع) مردم را به انتقاد تشویق کرده در توصیه‌ای به مالک اشتر، انتقاد از کارگزاران را به رسمیت شناخته و می‌فرماید: «و باید که برگزیده‌ترین وزیران تو کسانی باشند که سخن حق بر زبان آرند؛ هرچند، حق تلخ باشد و در کارهایی که خداوند بر دوستانش نمی‌پسندد کمتر تو را یاری کنند؛ هرچند که این سخنان و کارها تو را ناخوش آید».<sup>۲</sup> نمونه عملی آن در حکومت علی (ع)، آنجا است که افراد منافقی همچون اشعث بن قیس و برخی از خوارج و دیگران، بارها با تعابیر زشت و تند در برابر حضرت به ایشان توهین کردند؛ ولی آن حضرت بزرگوارانه از کنار آن گذشتند (نهج البلاغه، کلمات قصار: ۴۲۰). ایشان اجازه می‌داد مخالفان خود، تا وقتی که دست به سلاح نمی‌بردند، اظهارنظر کنند. نمونه عینی آن، زمانی است که مالک اشتر اصرار داشت که از متمرّدین و خوارج به‌زور بیعت بگیرند؛ اما امام آن را رد کرده، آنها را به حال و عقیده خودشان رها کرد (دینوری، ۱۳۶۴: ص ۱۷۹).

### ۵-۱-۳. مسئله مراقبت از مأموران و کارکنان امور بیت‌المال

حضرت در سفارش به مالک اشتر با توصیه به اینکه با تأمین نیازهای زندگی افراد و کارکنان تحت امر خود، زمینه سوءاستفاده از بیت‌المال و دست‌اندازی به آن را از بین ببرد، بر مراقبت از مأموران خود تأکید دارد.<sup>۳</sup> نمونه دیگر، وقتی به امام خبر رسید «منذر بن جارود عبدی»، که از طرف امام (ع) به فرمانداری بعضی

۱. چنانکه روزی مالک اشتر به حضرت اعتراض کرد که چرا فرزندان عباس را به کار گماشته است. امام فرمود: «اگر افرادی لایق‌تر از آنان سراغ داری، معرفی کن تا به حکومت منصوب نمایم» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق: ص ۹۹).

۲. «ثُمَّ لِيَكُنْ أَثَرُهُمْ عِنْدَكَ أَقْوَلَهُمْ بِمَرِّ الْحَقِّ لَكَ وَأَقْلَهُمْ مُسَاعَدَةً فِيمَا يَكُونُ مِنْكَ مِمَّا كَرِهَ اللَّهُ لِأَوْلِيَائِهِ، وَأَقْبَعًا ذَلِكَ مِنْ هَوَاكَ حَيْثُ وَقَعَ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

۳. «سپس روزی فراوان بر آنان ارزانی دار، که با گرفتن حقوق کافی در اصلاح خود بیشتر می‌کوشند، و با بی‌نیازی، دست به اموال بیت‌المال نمی‌زنند، و اتمام حجتی است بر آنان اگر فرمانت را نپذیرند یا در امانت تو خیانت کنند» (نهج البلاغه: نامه ۵۳).

از مناطق ایران منصوب شده بود، چهارصد هزار درهم از بیت‌المال را اختلاس کرده؛ امام نامه شدیدالحنی را برای او فرستاد و او را به شدت توبیخ کرد و از مقامش عزل نمود (مجلسی، ۱۳۸۶: ج ۳۴، ص ۳۲۳).

#### ۱-۵-۴. مسئله عدم صلاحیت افراد خائن به بیت‌المال برای حکومت

حسن صلاحیت افراد برای انتصاب به مناصب دولتی در سیره و گفتار حضرت، مورد تأکید قرار گرفته است. ایشان کسانی را که دارای روحیه میل به فساد اقتصادی و از جمله رشوه و دست‌اندازی به بیت‌المال هستند؛ برای امر رهبری و کارگزاری مردم صالح نمی‌دانند و دلیل آن را نیز عدم توانایی اینگونه افراد در عدم رعایت عدالت نسبت به دیگران بیان می‌فرمایند.<sup>۱</sup>

#### ۲-۵-۲. رهیافت دوم: شفافیت و بیان دلیل

##### ۱-۲-۵. شفافیت موضع حضرت در وقایع قتل خلیفه سوم

قتل خلیفه سوم، بزرگ‌ترین مسئله امنیتی-سیاسی آن دوران جهان اسلام بود؛ که تبعات سیاسی و اجتماعی زیادی داشت. امام(ع)، بدون هرگونه پرده‌پوشی و محرمانگی، این موضوع را با مردم در میان می‌گذارد و در ارائه این گزارش، تا آنجا دقت نظر و صداقت به‌کار می‌گیرد که می‌فرماید، این واقعه را چنان بازگو کنم که گویا شما آن را به چشم خود دیده‌اید<sup>۲</sup> (آقایی طوق، ۱۳۹۴: ص ۷۲). شفافیت در بیان دلایل موضع حضرت(ع) در این مسئله مهم، موجب اقناع افکار عمومی و آرامش جامعه گردید.

##### ۲-۲-۵. مسئله توبیخ کارگزاران در خرج کردن بی حساب و کتاب بیت‌المال

اهمیت حفظ و رعایت بیت‌المال در نزد حضرت، به اندازه‌ای مهم است که حتی کارگزار خود را نیز در عدم رعایت این مهم سرزنش و گاه مجازات می‌کند و ضمن نظارت جدی بر عملکرد آنان، دلیل توبیخ او را نیز برابری مسلمانان در غنایم و بیت‌المال دانسته و تبعیض برای برخی را جایز نمی‌داند. نمونه این امر، نامه آن حضرت(ع)، به «مصقلة بن هبیره شیبانی» بود که غنایم جنگی را به اقوام خود بخشیده

۱. «... و نه کسی که در تقسیم بیت‌المال عدالت ندارد؛ زیرا در اموال و ثروت آنان حیف و میل می‌کند و گروهی را بر گروهی مقدم می‌دارد...» (نهج البلاغه: خطبه ۱۳۱).

۲. «فَأَنِّي أَخْبِرُكُمْ عَنْ أَمْرِ عُمَانَ حَتَّى يَكُونَ سَمْعُهُ كَعْيَانِهِ إِنَّ النَّاسَ طَعَنُوا عَلَيْهِ فَكَنْتُ رَجُلًا مِنَ الْمُهَاجِرِينَ أَكْثَرَ اسْتِعْتَابَهُ وَأَقْلَّ عِتَابَهُ وَكَانَ طَلْحَةَ وَالزُّبَيْرَ أَهْوَنَ سَبْرِهِمَا فِيهِ الْوَجِيفُ وَارْزُقَ حَدَانِهِمَا الْعَنِيفُ وَكَانَ مِنْ عَائِشَةَ فِيهِ فَلْتَةٌ غَضَبٍ فَأَتَيْحَ لَهُ قَوْمٌ فَتَقْتَلُوهُ وَبَايَعَنِي النَّاسُ غَيْرَ مُسْتَكْرَهِينَ وَلَا مُجْبَرِينَ بَلْ طَائِعِينَ مُخَيَّرِينَ».

بود<sup>۱</sup> (نهج البلاغه: نامه ۴۳).

### ۵-۲-۳. مسئله انتخاب ناظران راستگو برای کارگزاران

حضرت به مالک اشتر سفارش می‌کند که از کارگزاران خود، به وسیله افراد مطمئن و صادق مراقبت نماید و جاسوسانی از مردم راستگوی و وفادار به خود، بر آنان بگمارد؛ تا در رعایت حق مردم و امانت دولت مرتکب کوتاهی یا خیانت نگردند<sup>۲</sup> (نهج البلاغه: نامه ۵۳). امام (ع)، فلسفه این کار را لزوم تشویق به کارهای نیک و مجازات و سرزنش خیانتکاران به حقوق مردم می‌داند.<sup>۳</sup>

### ۵-۲-۴. مسئله وثوق اخبار ناظران بر خیانت کارگزاران

گزارش افشای موارد فساد به مقامات، در دیدگاه علی (ع) در موضوع شفافیت، اهمیت خاصی دارد. ایشان در نامه به مالک اشتر اینگونه گزارش‌ها را برای خیانت مأموران و بازخواست و تنبیه آنان کافی می‌داند<sup>۴</sup> (نهج البلاغه: نامه ۵۳). با تاسی به این شیوه و استفاده از ابزارهای حمایتی برای گزارش‌کنندگان و ناظران موثق، می‌توان شاهد کاهش سطح فساد بود.<sup>۵</sup>

### ۵-۲-۵. مسئله ارتباط صمیمی و محرم دانستن مردم در امور حکومت

امام در پرتو جهان‌بینی الهی و اعتقاد به آخرت، پنهان‌کاری در امور حکومت و نامحرم پنداشتن مردم را بی‌معنا دانسته و مالک را از این کار بیهوده، برحذر می‌دارد؛ چرا که تنها وبالش بر گردن حاکم و زمامدار می‌ماند.<sup>۶</sup> حضرت همچنین سوگند یاد می‌کند که نه دروغی گفته و نه چیزی را از مردم پوشانده

۱. «بَلَّغْنِي عَنْكَ أَمْرًا إِنْ كُنْتَ فَعَلْتَهُ فَقَدْ اسْتَحْطَطَ إِلَهَكَ وَ عَصَيْتَ إِمَامَكَ؛ أَنْكَ تَقْسِمُ فِيَّ الْمُسْلِمِينَ الَّذِي حَازَتْهُ رِمَاحُهُمْ وَ خُيُولُهُمْ وَ أُرَيْقَتْ عَلَيْهِ دِمَاؤُهُمْ فَيَمِنَ اعْتِمَاكَ مِنْ أَعْرَابِ قَوْمِكَ... أَلَا وَ إِنْ حَقَّ مِنْ قِبَلِكَ وَ قَبَلْنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ فِي قِسْمَةِ هَذَا الْفِيءِ سَوَاءً، يَرِدُونَ عِنْدِي عَلَيْهِ وَ يَصْدُرُونَ عَنْهُ».

۲. «وَإِبْعَثِ الْعُيُونَ مِنْ أَهْلِ الصَّدَقِ وَالْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ، فَإِنَّ تَعَاهُدَكَ فِي السِّرِّ لِأُمُورِهِمْ حُدُودٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِعْمَالِ الْأَمَانَةِ».

3. <https://ahlolbait.com/article/11667>

۴. «فَإِنْ أَحَدٌ مِنْهُمْ بَسَطَ يَدَهُ إِلَى خِيَانَةِ اجْتَمَعَتْ بِهَا عَلَيْهِ عُنْدَكَ أَخْبَارٌ عُيُونِكَ، اكْتَفَيْتَ بِذَلِكَ شَاهِدًا، فَبَسَطْتَ عَلَيْهِ الْعُقُوبَةَ فِي بَدَنِهِ، وَأَخَذْتَهُ بِمَا أَصَابَ مِنْ عَمَلِهِ، ثُمَّ نَصَبْتَهُ بِمَقَامِ الْمَدْلَةِ، وَوَسَّمْتَهُ بِالْخِيَانَةِ، وَقَلَّدْتَهُ عَارِ الثَّمَمَةِ».

۵. قانون اخیر حمایت از گزارشگران فساد مصوب ۱۴۰۲/۹/۱۴ مجلس شورای اسلامی که آنان را در گزارش تخلفات و جرایم رفتارهای ارتكابی کارگزاران مشمول حمایت‌ها و پاداش این قانون قرار داده، نمونه خوبی از این الگوگیری است.

۶. «وَأَيَاكَ ... وَالنَّعَائِي عَمَّا تُعْنَى بِهِ مِمَّا قَدْ وَصَحَ لِلْعُيُونَ، فَإِنَّهُ مَاخُودٌ مِنْكَ لِغَيْرِكَ، وَعَمَّا قَلِيلٍ تَنْكَشِفُ عَنْكَ أَعْيُنُ الْأُمُورِ، وَتُنْتَصَفُ مِنْكَ لِلْمَظْلُومِ»، «مبادا هرگز در آنچه که با مردم مساوی هستی، امتیازی خواهی از اموری که بر همه روشن است، غفلت کنی؛

است<sup>۱</sup> (نهج البلاغه: خطبه ۱۶). از دیدگاه آن حضرت، مردم به‌عنوان پایه‌های اصلی حکومت، حق دارند که در جریان همه مسائل کشور قرار گیرند؛ زیرا پیشرفت جامعه مرهون سازوکارهای قانونمند و سازمان‌یافته در تبادل آراء و عقاید است؛ که هم موجب فراهم نمودن زمینه‌های مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها در مسائل عمومی و امکان نظارت مردم بر عملکرد مدیران می‌شود، هم ابزاری مهم برای مبارزه با فساد اداری است (بابایی و نظری، ۱۳۹۰: ص ۵۱).

### ۵-۲-۶. مسئله آرائه گزارش و دلیل اقدامات خود به مردم

از دیگر اقدامات حضرت درباره شفافیت، گزارش‌دهی مستمر ایشان به مردم بود. مثلاً ایشان دلیل علاقه خود را به انتصاب «هشام بن عتبه» به فرمانداری مصر، چنین گزارش می‌دهند: «می‌خواستم هشام بن عتبه را فرماندار مصر کنم، اگر او را انتخاب می‌کردم، میدان را برای دشمنان خالی نمی‌گذارد، و به عمروعاص و لشکریانش فرصت نمی‌داد، نه اینکه بخواهم محمد بن ابی‌بکر را نکوهش کنم که او مورد علاقه و محبت من بوده و در دامنم پرورش یافته بود» (نهج البلاغه: خطبه ۶۱).

### ۵-۲-۷. مسئله آماده‌سازی بسترهای لازم برای تصمیم

هر تصمیم و اقدام توسط دولت مردان، مستلزم فراهم آوردن بسترهای مناسب آن، ازجمله اطلاع‌رسانی مناسب و به‌موقع است. در غیر این صورت، نه تنها برای آن اقدام، نتیجه مطلوب متصور نیست؛ بلکه ممکن است اثری معکوس نیز داشته باشد. حضرت، دلیل تصمیم به سکوت خود را در مقابل غضب خلافت، عدم یاری و همکاری مردم دانسته‌اند و آن را به جام زهر تشبیه نموده‌اند<sup>۲</sup> (نهج البلاغه: خطبه ۲۶). معیارهای امام(ع) درخصوص فراهم کردن این بسترها، اطلاع‌رسانی مناسب و به‌موقع، دارا بودن علم و آگاهی، آینده‌نگری و پرهیز از شتاب‌زدگی و سستی است (نهج البلاغه: خطبه ۱۵۴).

### ۵-۲-۸. مسئله شفافیت و محرمانه بودن اسرار نظامی

امام علی(ع) در نامه‌ای به فرماندهان سپاه خود، به آنان اطمینان می‌دهد که هیچ مانعی برای شفافیت در

زیرا به هر حال نسبت به آن در برابر مردم مسئولی، و به زودی پرده از کارها يك‌سورود، و انتقام ستم‌دیده را از تو بازمی‌گیرند».

۱. «وَاللَّهِ مَا كَتَمْتُ وَشَمَّئْتُ، وَلَا كَذَبْتُ كَذِبًا، وَ لَقَدْ نَبَّيْتُ بِهَذَا الْمَقَامِ وَ هَذَا الْيَوْمِ»، «به خدا قسم سخنی را مخفی ننموده، و دروغی بر

زبان نیاورده‌ام، و به این اوضاع و چنین زمانی آگاهی‌ام داده‌اند».

۲. «فَنظَرْتُ فَإِذَا لَيْسَ لِي مُعِينٌ إِلَّا أَهْلُ بَيْتِي فَصَنَيْتُ بِهِمْ عَنِ الْمَوْتِ وَ أَغْصَيْتُ عَلَى الْقَدَى وَ شَرَبْتُ عَلَى الشَّجَا وَ صَبَرْتُ عَلَى أَخْذِ الْكُظْمِ وَ عَلَى أَمْرِ مِنْ طَعْمِ الْعَلَقَمِ»

امور حکومتی در بهره‌مندی مردم نسبت به اطلاعات حکومتی وجود ندارد؛ جز اسرار جنگی<sup>۱</sup> (نهج البلاغه: نامه ۵۰). حضرت، شفافیت در تصمیم‌گیری و محرم دانستن مردم و فرماندهان جنگ را حق مردم بر خود می‌داند؛ مگر اسرار جنگی<sup>۲</sup> (نهج البلاغه: نامه ۵۰)؛ زیرا اسرار نظامی، تنها باید در اختیار فرماندهان و معتمدانی باشد که در پیاده کردن نقشه برای دفاع یا حمله به دشمن، نقش مؤثر دارند.

## ۶. نتیجه‌گیری

آنچه در این تحقیق به آن پرداخته شده است، تلازم بین اصل الزام به بیان دلیل با اصول شفافیت و پاسخگویی است. لازمه پاسخگویی، شفافیت در تصمیم‌گیری است و لازمه تصمیم‌گیری، وجود قانون، منطق و دلایل عقلانی است. لذا، برای هر تصمیم باید دلیلی وجود داشته باشد. اهمیت تلازم بین این اصول، در حقوق عمومی آن است که عدم وجود هریک، دیگری را نیز از اعتبار می‌اندازد. آموزه‌های رفتاری که در حکومت امام علی (ع) و در نهج البلاغه یافت می‌شود، نشان می‌دهد که تصمیمات متخذه به‌وسیله آن حضرت، همواره با دلیل و شفافیت همراه بوده است و ایشان پاسخگویی اقدامات و تصمیمات خود بوده‌اند و کارگزاران خود را نیز به رعایت این اصول در مقابل مخاطبین سفارش می‌نمودند. برخوردهای حضرت با تخلفات کارگزاران در مناطق مختلف، تصمیم‌گیری در رعایت حقوق عامه، حفظ و رعایت بیت‌المال، انتقادپذیری، اطلاع‌رسانی، مقابله با فساد و نمونه‌های دیگری از این نوع، که با بیان دلایل آنها همراه است؛ می‌تواند الگویی برای تصمیم‌گیران در امور مختلف در حکومت اسلامی باشد. در این تحقیق، به برخی از تصمیمات و اقدامات حضرت در موضوعات گوناگون پرداخته شده است که براساس آن می‌توان نتایج ذیل را برداشت نمود:

۱. امروزه پاسخگویی و شفافیت در پرتو بیان دلیل اقدامات، به‌عنوان اصول کاربردی در زمامداری محسوب می‌شود و دموکراسی نوین، با برجسته کردن این اصول در قوانین بین‌المللی و داخلی کشورها، ملاک‌ها و معیارهای ارزشیابی جدیدی را برای کارکرد حاکمان و متولیان امور، ارائه می‌کند. محرم دانستن مردم به‌عنوان صاحبان اصلی حکومت، اقتضاء می‌کند که کارگزاران با اعتماد به جامعه و با بهره‌گیری از روش حکومتی حضرت علی (ع)، ضمن تحکیم پشتوانه تصمیم‌های قانونی و اداری، همراهی و اعتماد عمومی جامعه را تقویت کرده و در حفظ نظام اسلامی، از آن بهره‌مند گردند. این کار، به اعتماد عمومی انجامیده

۱. «أَلَا وَإِنَّ لَكُمْ عِنْدِي أَلَّا أَحْتَجِزَ دُونَكُمْ سِرًّا إِلَّا فِي حَرْبٍ...»

۲. «أَلَا وَإِنَّ لَكُمْ عِنْدِي أَنْ لَا أَحْتَجِزَ دُونَكُمْ سِرًّا إِلَّا فِي حَرْبٍ وَلَا أُطَوِّ دُونَكُمْ أَمْرًا إِلَّا فِي حَكْمٍ»

نظم و عدالت را در اجرای تصمیم‌های اداری تضمین می‌کند، همان که امروز، حلقه مفقوده جامعه اسلامی ما است.

۲. از نظر حضرت، حکومت امانت است و حاکم و کارگزار حکومتی، هرگونه اقدام و تصمیمی را از طرف مردم و به رسم امانت انجام می‌دهد. لذا، باید در راستای تأمین منافع عمومی جامعه بوده، برای هر تصمیم خود دلیل یا دلایلی داشته باشد که نشان دهد آن تصمیم، برای چه و تحت چه شرایطی اتخاذ شده است (خطبه: ۳، ۵۴، ۱۵۸؛ نامه: ۵، ۱۵).

۳. مردم براساس حق اطلاع، حق دارند از دلایلی که منجر به صدور تصمیم توسط مسئولین و کارگزاران شده است مطلع باشند. به جز موارد خاص از قبیل اسرار جنگی و موارد امنیت ملی یا حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، مسئولین حکومت اسلامی در تصمیم‌های خود می‌بایست دلایل تصمیمات خود را نیز بیان نموده یا حداقل زمینه‌ای را فراهم آورند که مخاطبین، تصمیمات اتخاذ شده را متکی بر دلیل، منطق و قانون بدانند. همان‌گونه که حضرت در مواردی مثل رعایت حقوق بیت‌المال، انتقاد از کارگزاران، پذیرش یا عدم پذیرش تصمیمات دیگران، دلایل خود را واضح و آشکار بیان می‌فرمایند، کارگزاران نظام اسلامی نیز باید دلایل خود را بدون واهمه یا ابهام برای مردم بیان کنند (خطبه: ۱۳۶، ۱۵، ۱۳۱، ۱۰۵؛ نامه: ۵۰، ۴۳، ۵۷، ۵۳، ۱۶، ۲۶؛ حکمت: ۱۷۳).

## منابع

### نهج البلاغه

- آقای طوق، مسلم (۱۳۹۴). حقوق عمومی در نهج البلاغه. تهران: انتشارات خرسندی.
- ابن ابی الحدید (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه. قم: مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی العامة.
- اسدی، عباس؛ الهیاری، محدثه (۱۳۹۵). شباهت‌ها و تمایزات تصمیمات قضایی و اداری با نگاهی موردی به تصمیمات هیئت نظارت بر مطبوعات. علوم خبری، ۱۸(۵): ص ۹۵-۱۲۶.
- افشار، سجاده؛ بهادری جهرمی، علی (۱۳۹۵). آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی، بررسی مفهوم پاسخگویی. دفتر مطالعات نظام‌سازی اسلامی، پژوهشکده شورای نگهبان.
- انصاری، باقر (۱۳۸۷). بررسی و نقد لایحه آزادی اطلاعات. اطلاع‌رسانی، شماره ۱۳.
- انصاری، باقر (۱۳۹۷). حق دسترسی به اطلاعات. تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بابایی، محمدعلی؛ نظری، زهرا (۱۳۹۰). آزادی اطلاعات، محدودیت‌ها، بایدها و نبایدها. اطلاع‌رسانی حقوقی، ۷(۲۶).
- جلالی، محمد؛ اثرن، زهرا (۱۳۹۵). پاسخگویی دولت: جایگاه، ارکان و پیش‌شرط‌ها. پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۲۰(۱): ص ۲۱-۴۳.
- حاجیان حسین‌آبادی، رضا؛ دلشاد تهرانی، مصطفی؛ امینی حاجی‌آبادی، محمدرضا (۱۳۹۶). زمینه‌های شفافیت اطلاعات و عدالت اقتصادی از دیدگاه نهج البلاغه. پژوهش‌های نهج البلاغه، ۱۶(۴): ص ۸۱-۱۰۲.
- حبیب‌نژاد، سیداحمد؛ عامری، زهرا (۱۳۹۵). شاخص‌های شفافیت در حکومت اسلامی (با تأکید بر حکومت علوی). حقوق اسلامی، ۴۹(۱۳): ص ۱۲۹-۱۵۷.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۹۴). سیره نبوی، منطق عملی. تهران: نشر دریا، ج ۳.
- دینوری، احمد بن ابی داود (۱۳۶۴). اخبار الطوال. ترجمه محمود مهدوی دامغانی. تهران: نشر نی.
- رضایی، مهدی؛ خسروی، نیما (۱۳۹۷). نسبت‌سنجی اصل الزام به بیان دلایل تصمیمات و حاکمیت قانون. پژوهش حقوق عمومی، ۲۰(۶۱): ص ۶۵-۹۲.
- رضایی‌زاده، محمدجواد؛ عطریان، فرامرز (۱۳۹۳). اصل الزام به ارائه دلایل تصمیمات اداری در پرتو مفهوم اداره خوب. دانش حقوق عمومی، ۳(۱۰).
- رمضان‌پور نرگسی، محمود (۱۳۸۷). مبانی نظارت و بازرسی. تهران: پلک.
- سبزی، رویا؛ جلالی، محمد (۱۳۹۶). بررسی اصل شفافیت در نظام دادرسی اداری ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس.
- سلطان محمدی، حسین (۱۳۹۸). پاسخ‌گویی و حکمرانی مطلوب در حکومت دینی. حکومت اسلامی، ۲۴(۴): ص ۵۷-۷۸.
- صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۴). اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.

- ضمیری، عبدالحسین؛ نصیری، حامدرضا (۱۳۸۹). حکمرانی خوب و نقش شفافیت در تحقق آن. پژوهشنامه، شماره ۵۲.
- طاهری، محسن؛ ارسطا، محمدجواد (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی مبانی اصل شفافیت از دیدگاه اسلام و نظریه حکمرانی خوب. پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۳(۳): ص ۱-۲۴.
- طاهری، محسن؛ ارسطا، محمدجواد؛ ملک افضل، محسن (۱۳۹۸). مبانی و آثار اصل شفافیت از منظر اندیشه سیاسی اسلام. سیاست متعالیه، ۷(۲۴).
- طباطبایی، سید روح‌الله؛ شیرخانی، علی؛ مظهرنیا، مهدی (۱۴۰۰). بررسی و ارزیابی جایگاه حکمرانی مطلوب در نهج البلاغه. سیاست‌پژوهی ایرانی، ۸(۲۷): ص ۷-۳۰.
- عمید، حسن (۱۳۶۲). فرهنگ فارسی عمید. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- عمید، حسن (۱۳۶۹). فرهنگ فارسی عمید. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- غمامی، سید مهدی و همکاران (۱۳۹۶). دایره‌المعارف حقوق عمومی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- فرزادمهر، جواد (۱۳۹۴). اصول کلی حقوق اداری حاکم بر اعمال و تصمیمات اداری. در: نخستین کنگره بین‌المللی حقوق ایران. قطبی، میلاد؛ بهادری جهرمی، علی (۱۳۹۵). محدودیت‌های آزادی در اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۱۰(۵): ص ۵۵-۸۰.
- کردنژاد، نسرین؛ قاسمی، غلامعلی (۱۳۹۹). محدودیت‌های اصل شفافیت در قرآن و حقوق عمومی ایران. پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۷(۴): ص ۱۷۹-۲۰۸.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۶). بحار الانوار. قم: نشر اسلامیه، ج ۳۴.
- مشهدی، علی (۱۳۹۷). فرهنگ اصطلاحات حقوق اداری. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- منتظر قائم، مهدی (۱۳۹۴). حق شرعی نظارت مردم بر حکومت. حکومت اسلامی، ۱۹(۴).
- مولایی، یوسف (۱۳۸۲). استقلال، دموکراسی و حقوق بشر. نامه، شماره ۲۸.
- هاشمی، سید محمد (۱۳۹۹). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر میزان، چاپ سی‌ام، ج ۱.
- هداوند، مهدی؛ مشهدی، علی (۱۳۹۵). اصول حقوق اداری در پرتو آراء دیوان عدالت اداری. تهران: انتشارات خرسندی.
- ویژه، محمدرضا (۱۳۸۹). مبانی محدودیت‌های آزادی مطبوعات در قانون اساسی و تجلی آن در قانون مطبوعات. در: مجموعه مقالات همایش حقوق مطبوعات. تهران: گرایش.